

کودکان را بهتر بشناسیم / شروط مربی خوب



اولین شرط مربی خوب در راه تعلیم و تربیت، شناسایی طفل است باید کودک را شناخت، به استعدادهای او پی برد، تمایلاتش را درک کرد، احتیاجاتش را در نظر گرفت جنبه‌های عاطفی و وضع خانوادگی او را مورد مطالعه قرارداد سپس به تربیت او اقدام کرد.

خبرگزاری مهر- اولین شرط مربی خوب در راه تعلیم و تربیت، شناسایی طفل است باید کودک را شناخت، به استعدادهای او پی برد، تمایلاتش را درک کرد، احتیاجاتش را در نظر گرفت جنبه‌های عاطفی و وضع خانوادگی او را مورد مطالعه قرارداد سپس به تربیت او اقدام کرد.

شرط موفقیت در هر کاری در درجه اول بینش و آشنایی است. فردی که دارای هدف خاصی است، برای رسیدن به مطلوب خویش علاوه بر کوشش‌های پیگیر و مداوم، باید به همه راههایی که او را به سر منزل مقصود می‌رساند، آشنایی داشته باشد. شخصی که بخواهد به قله کوهی صعود کند علاوه بر سلامت جسم و سایر شرایط لازم به فنون کوهنوردی نیز باید آشنا باشد، تا در کار خود موفق گردد.

تربیت و شناسایی

عده‌ای تربیت را عبارت از ایجاد دگرگونی‌های مطلوب در تن و روان می‌دانند و برخی دیگر تربیت را رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ تمام نیروها و استعدادهایی که در نهاد فرد مکتوم است می‌دانند. در هر صورت تربیت به هر معنایی که باشد، موفقیت در آن مستلزم شناسایی است، مربی که می‌خواهد فردی را تربیت نماید علاوه بر آشنایی به علوم تربیتی باید از تمام خصوصیات جسمی و روانی کودک آگاهی داشته باشد.

شناسایی و آگاهی در هر کاری لازم، ولی در امر تربیت انسان، ضرورت آن بیشتر است زیرا انسان موجودی پیچیده و دشوار است.

زمینه‌های روانی هرفردی بر اساس وراثت و محیط تربیتی او مختلف است. دو فردی را نمی‌توان پیدا کرد که از نظر روحیات یکسان باشند، پس همانطور که هر فرد دارای شخصیت روانی خاص است، تربیت او نیز دارای راه و روش خاصی است.

نوع شناسایی کودکان

شناسایی بر دو قسم است: نوع اول شناسایی سطحی است: معلم می‌بیند کودکی درس نمی‌خواند یا دانش آموزی دیر به مدرسه می‌آید، یا در محیط مدرسه با دیگران به جنگ و جدل می‌پردازد این شناسایی از آن نظر سطحی است که معلم فقط به تخلف شاگرد پی برده است. نوع دوم شناسایی عمقی است: و آن عبارت از پی بردن به علل رفتارهای غیرعادی کودک است مثلاً چرا کودک به درس خواندن علاقه ندارد؟ آیا استعداد او کم است یا دچار مشکلات عاطفی است؟

کودکی که در مدرسه همکلاسی‌های خود را آزار و اذیت می‌دهد آیا رفتارش معلول تربیت غلط محیط خانوادگی او بوده، یا کودکی که به دروغ متوسل می‌شود. معلم اگر دریابد که این دروغگویی ناشی از شدت عملی بوده که او در کلاس خود نسبت به متخلفین ابراز می‌داشته است؛ با تغییر رویه و نرمش می‌تواند خوی دروغگویی را از او دور سازد، ولی اگر بداند که این دروغگویی زاییده تربیت غلط محیط خانوادگی است، آموزگار دیگر نخواهد توانست فقط با تغییر رفتار خود دروغگویی را از کودک برکنار سازد.

بنابراین شناسایی کودک و خصوصیات اخلاقی او با مقدماتی که به آنها اشاره شد ضرورتش آشکار می‌گردد، لذا تربیت گروهی بدون شناسایی فرد فرد آنان همانند آن است که پزشکی برای درمان بیماری‌های گوناگون به یک نسخه اکتفا کند.

باید به این نکته توجه داشته باشیم که انسانها از نظر تجهیزات روحی و فکری با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. همه بچه‌ها را نمی‌توان با یک برنامه پیش برد بعضی باهوش‌تر هستند و کم کار و برخی از نظر هوش متوسط ولی پرکار؛ عده‌ای در کارهای فکری آمادگی بیشتری دارند گروهی به قسمت‌های فنی و تکنیکی علاقه زیادتری دارند. استعدادها و علائق کودکان گوناگون هستند باید در تعلیم و تربیت، به خصوصیات جسمی و فکری کودکان آشنایی داشته باشیم. پس باید در درجه اول کودک را بشناسیم سپس استعدادهای او را پرورش دهیم.

طبق همین اصل روانشناسان تربیتی عقیده دارند که اولین شرط مربی خوب در راه تعلیم و تربیت، شناسایی طفل است باید کودک را شناخت، به استعدادهای او پی برد، تمایلاتش را درک کرد، احتیاجاتش را در نظر گرفت جنبه‌های عاطفی و وضع خانوادگی او را مورد مطالعه قرارداد سپس به تربیت او اقدام کرد.

بنابراین پدران و مادرانی که علاقه به تربیت فرزند خود داشته خود را مسئول می‌دانند باید توجه داشته باشند که پیش از آنکه به تربیت فرزند خود اقدام نمایند، بکوشند روحیات فرزند برایشان مشخص شود به علل و ریشه‌های آن پی ببرند. با صبر و حوصله دریابند که چرا کودکشان بداخلاق است یا چرا با برادر و خواهرش نزاع می‌کند. در این مواقع بسیاری از پدران و مادران به جای اینکه به ریشه‌های اساسی این بداخلاقی‌ها پی ببرند می‌کوشند به وسیله پند و اندرز و یا با تندی و خشونت جلوی بد اخلاقی را بگیرند نه تنها این کار دردی را دوا نمی‌کند بلکه در اثر آشنا نبودن به اصول تربیتی به بد اخلاقی فرزندشان کمک می‌نماید. در این مواقع باید علت بداخلاقی را جستجو کرد و جلوی بد اخلاقی کودک را بگیرند.

به عنوان مثال، دیده می‌شود که فرزندی دائماً در خانه بداخلاقی می‌کند با کوچکترها و بزرگترها دعوی می‌کند با کوچکترین برخورد حساس و آشفته و گریان می‌شود. در این موارد با بررسی دقیق و مطالعه حالات روانی نشان می‌دهد که این گونه کودکان از تبعیض در محیط خانه رنج می‌برند و پدر و مادر بدون توجه به این عامل انحرافی به پند و اندرز و یا خشونت می‌خواهند جلوی این بد اخلاقی را بگیرند.

شناسایی کودک نباید در انحصار روحیات و استعدادهای او دور بزند بلکه یک مربی خوب می‌کوشد که خصوصیات زمانی را نیز در نظر بگیرد. بسیاری از پدران و مادران بدون اینکه خصوصیات زمانی را در نظر بگیرند می‌کوشند فرزندشان رفتاری همانند آنان داشته باشد با اینکه با کمترین آشنایی به خصوصیات اجتماعی و زمانی می‌توان پذیرفت که دیگر در زمان حاضر نمی‌توان به همان روش گذشته فرزندان را تربیت کرد.